

دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات لوقا - اعمال رسولان جلسه ۸، کلیسا در لوقا قوم خدا در عهد جدید، بخش ۱

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریس الهیات لوقا-اعمال رسولان. این جلسه هشتم، رابرت ای. پترسون، کلیسا در لوقا، قوم خدا در عهد جدید، بخش ۱ است.

ما سخنرانی‌های خود در مورد لوقا و الهیات را با برخی از مطالب خودم در مورد کلیسا، قوم خدا در عهد جدید در انجیل لوقا ادامه می‌دهیم. کلیسا در لوقا

لوقا با یک مقدمه، انجیل خود را آغاز می‌کند تا تئوفیلوس، که کتاب به او تقدیم شده است، بتواند در مورد چیزهایی که در میان ما به انجام رسیده است، اطمینان حاصل کند و آنها را نقل قول کند. لوقا ۱:۱، لوقا اینها وقایع زندگی عیسی هستند که از لقاح و تولد او شروع می‌شوند، در طول خدمت او در گفتار و ۱:۱ کردار ادامه می‌یابند و در مرگ، رستاخیز و عروج او به اوج خود می‌رسند.

یعنی، لوقا از پروردگار و ناجی کلیسا و از نجاتی که او برای گناهکاران به ارمغان می‌آورد صحبت می‌کند، تا آنها به قوم خدا تعلق داشته باشند. او انجیل خود را به همین ترتیب به پایان می‌رساند و به پیروانش یادآوری می‌کند که کتاب مقدس مرگ، رستاخیز و اعلام پیام توبه و بخشش، نقل قول، به همه ملت‌ها را از اورشلیم پیش بینی کرده است. لوقا ۲۴:۴۷

لوقا وقتی به شاگردانش می‌گوید که آنها شاهدان او هستند و باید در اورشلیم منتظر بمانند تا خدا روح القدس را بفرستد تا آنها را برای شهادت توانمند سازد، به کتاب اعمال رسولان اشاره می‌کند. البته، کتاب اعمال رسولان با این اتفاق در پنطیکاست آغاز می‌شود. در انتهای انجیل لوقا، عیسی شاگردانش را برکت داد و، همانطور که گفته شد، به آسمان برده شد.

این، انجیل و اعمال رسولان را به هم پیوند می‌دهد و به اولین رویدادی که اعمال رسولان ثبت می‌کند، یعنی عروج عیسی، اشاره دارد. بنابراین، لوقا انجیل خود در اعمال رسولان را به عنوان دو کتابی که به هم تعلق دارند، می‌بیند. انجیل از بیت لحم به اورشلیم، جایی که عیسی کلیسا را پیدایش کرد، منتقل می‌شود، در حالی که اعمال رسولان از رسولان خود می‌گوید که انجیل را از اورشلیم تا اقصی نقاط زمین موعظه می‌کنند، تا افراد بیشتری، از جمله غیریهودیان، به کلیسا بپیوندند و مسیح را پرستش کنند، اعمال رسولان ۸:۱. ما هفت قسمت از انجیل لوقا را بررسی خواهیم کرد که پایه و اساس قوم خدا در عهد جدید، بنی اسرائیل و غیریهودیان، را بنا نهادند، لوقا ۲:۲۵ تا ۳۲.

بگذارید با آیه ۲۲ شروع کنم. و هنگامی که زمان تطهیر آنها طبق شریعت موسی فرا رسید، او، عیسی نوزاد، را به اورشلیم آوردند تا به خداوند تقدیم کنند. همانطور که در شریعت خداوند نوشته شده است، هر پسر که رحم را باز می‌کند، باید برای خداوند مقدس خوانده شود و طبق آنچه در شریعت خداوند گفته شده است، یک جفت فاخته یا دو جوجه کبوتر قربانی کند.

در اورشلیم مردی بود به نام شمعون، که مردی پارسا و پارسا بود و منتظر تسلی اسرائیل و روح القدس بر او بود. و از جانب روح القدس به او وحی شده بود که تا مسیح خداوند را نبیند، مرگ را نخواهد دید. و او در روح به معبد آمد و هنگامی که والدین، عیسی کودک را آوردند تا طبق رسم شریعت برایش انجام دهند، او را

در آغوش گرفت و خدا را ستایش کرد و گفت: «خداوند، اکنون بندهات را طبق کلامت به سلامت رها می‌کنی.»

زیرا چشمان من نجات تو را دیده است که در حضور همه ملت‌ها آماده کرده‌ای، نوری برای آشکار کردن حقیقت برای غیریهودیان و جلال برای قوم تو اسرائیل. و پدر و مادرش از آنچه درباره او گفته شد شگفت‌زده شدند. و شمعون آنها را برکت داد و به مریم، مادرش، گفت: «اینک، این کودک برای سقوط و برخاستن بسیاری در اسرائیل و برای نشانه‌ای که با آن مخالفت می‌شود، منصوب شده است و شمشیری در قلب تو نیز فرو خواهد رفت تا افکار بسیاری از قلب‌ها آشکار شود.»

یوسف و مریم، بنی اسرائیلی‌های خداترس اما ظاهراً فقیری بودند. پس از اینکه نوزاد پسر در روز هشتم، طبق دستور خدا (پیدایش ۱۲: ۱۷) ختنه شد، نام او را عیسی گذاشتند. خداوند آنها را نجات داد، همانطور که فرشتگان به آنها دستور داده بودند.

لوقا ۱: ۲۱، لوقا ۱: ۳۱. قانون ایجاب می‌کرد که زنی که پسری به دنیا می‌آورد، هفت روز قبل از ختنه شدنش نجس باشد، لاویان ۱: ۱۲ تا ۵. قربانی‌ای که یوسف و مریم برای تطهیر او تقدیم کردند، نشان می‌داد که آنها فقیر هستند، آیات ۶ تا ۱۳ لاویان ۱۲ نیز همین را می‌گویند. سپس لوقا دو شاهد ارائه می‌دهد، همانطور که هاوارد مارشال با اشاره به آنا، شاهد دوم، به نقل از تفسیر مارشال از لوقا در مجموعه تفسیر عهد جدید بین‌المللی یونانی، نقل می‌کند که «حضور او دومین شاهد از دو شاهد مورد نیاز برای شهادت به اهمیت عیسی را فراهم می‌کند، تثنیه ۱۵: ۱۹».

با شهادت دو یا سه شاهد، موضوع به این صورت حل و فصل خواهد شد. نگرانی ما با شاهد اول، شمعون است. او مردی خداترس است که روح القدس بر او قرار گرفت و منتظر ظهور مسیح موعود بود که لوقا از او به عنوان تسلی اسرائیل یاد می‌کند.

شمعون هدایت ماوراءالطبیعه را دریافت کرد، زیرا از جانب روح القدس به او وحی شده بود که تا مسیح خداوند را نبیند، مرگ را نخواهد دید، لوقا ۲: ۲۲. روح همچنین شمعون را در همان زمانی که یوسف و مریم عیسی را تقدیم می‌کردند، به معبد هدایت کرد. شمعون یوسف و مریم را دید، عیسی نوزاد را در آغوش گرفت، خدا را ستایش کرد و فریاد زد: «خداوند، اکنون بندهات را طبق کلام خود در آرامش رها می‌کنی، زیرا چشمان من نجات تو را دیده است که در حضور همه مردم آماده کرده‌ای، نوری برای وحی به غیریهودیان و «برای جلال به قوم تو اسرائیل، لوقا ۲: ۳۰ تا ۳۲».

خدا به وعده خود مبنی بر دیدن مسیح توسط شمعون قبل از مرگش عمل کرده بود. سخنان او قدرتمند است. چشمان من نجات تو را دیده است.

عیسی نوزاد، ناجی جهان بود. او به بزرگسالی می‌رسید، زندگی بی‌گناهی را سپری می‌کرد، برای گناهکاران بر روی صلیب می‌مرد و دوباره زنده می‌شد و پیروزی خود را بر دشمنان ما اعلام می‌کرد. علاوه بر این، در اینجا در اوایل انجیل لوقا، گفته می‌شود که عیسی نوری برای وحی به غیریهودیان و همچنین جلال برای اسرائیل است.

آیات ۳۱ و ۳۲. لوقا توضیح می‌دهد که منظور از همه قوم‌ها در آیه ۳۱، حتی غیریهودیان در آیه ۳۲ است. چشمان من نجات تو را دیده است، نجاتی که در حضور همه قوم‌ها فراهم کردی، نوری برای آشکار شدن بر غیریهودیان و برای جلال قوم تو، اسرائیل.

این شامل هر دو، همه مردم، از جمله یهودیان، البته، و همچنین غیریهودیان، ملت‌ها می‌شود. این موضوع تنها با توجه به وضعیت اسفناک غیریهودیان در قرن اول به درستی درک می‌شود. تیلمن با به تصویر کشیدن

فرانک تیلمن، تفسیر افسسیان، صفحه ۱۵۷، بینشی ارائه می‌دهد: «تیلمن، توصیف پولس در افسسیان «و. ۱۲ از وضعیت ناامیدکننده غیریهودیان قبل از ظهور انجیل در آنجا آمده است ۲:۱۱»

در اینجا، اسرائیل قوم خدا و مخزن کلام خدا بود. پیش از آمدن انجیل، تنها کسانی که در مرزهای اسرائیل بودند، امیدی به نجات از خشم خدا داشتند که او بر سر نافرمانیان نازل می‌کرد. غیریهودیان نامختون، بنا به تعریف، از این قوم و این امید طرد شده بودند و بنابراین در موقعیت بسیار ناامیدکننده‌ای از ناامیدی قرار داشتند.

آنها در دنیا بدون خدا و بدون امید بودند. یکی از اهداف اصلی لوقا-اعمال رسولان این است که نشان دهد خدا در نقشه خود، وضعیت ناامیدی و یاس را معکوس کرده است. اکنون، غیریهودیان و یهودیان مؤمن بخشی از قوم خدا می‌شوند.

روایت لوقا از همان ابتدا، مسیر این تغییر مهم بین عهدین را نشان می‌دهد. باک در جلد اول تفسیر خود بر لوقا توضیح می‌دهد: «در این زمینه، واضح است که غیریهودیان به عنوان دریافت‌کنندگان وحی به تصویر کشیده شده‌اند. بقیه انجیل و اعمال لوقا نشان می‌دهد که غیریهودیان به طور برابر در آن مشارکت دارند»

عیسی نجات را برای همه بشریت به ارمغان می‌آورد و آنها را در راه خدا روشن می‌کند، نقل قول بسته بنابراین، خوانندگان در سخنان شمعون در لوقا دوم، با گرایش جهانی لوقا آشنا می‌شوند. عیسی نجات‌دهنده جهان، از جمله غیریهودیان است.

قابل درک است که یوسف و مریم از سخنان شمعون گیج شده‌اند. در آیه ۳۳، او هر دو را برکت می‌دهد و پیامی متناقض برای مریم می‌فرستد. بنگرید، این کودک برای سقوط و قیام بسیاری در اسرائیل و برای نشانه‌ای که با آن مخالفت می‌شود، منصوب شده است تا افکار بسیاری از قلب‌ها آشکار شود.

اما او در آنجا گنجانده شده است، و شمشیری در روح خودتان نیز فرو خواهد رفت. باز هم، در اینجا، در آغاز زندگی عیسی، نشانه‌هایی از آنچه در پیش است را می‌بینیم. شمعون پیش‌بینی می‌کند که زندگی و خدمت عیسی باعث ایجاد درگیری در میان بنی اسرائیل خواهد شد.

او برای یهودیان هم لعنت و هم برکت، برای کسانی که او را رد می‌کنند، لعنت داوری خدا، و برای کسانی که به او ایمان می‌آورند، برکت نجات را به ارمغان خواهد آورد. آیه ۳۴، علاوه بر این، در نتیجه زندگی و مرگ عیسی، شمشیری در روح مریم فرو خواهد رفت. در واقع، او با دیدن مصلوب شدن پسرش، رنج زیادی خواهد کشید، یوحنا ۱۹:۲۳

هاوارد مارشال در کتاب خود، مورخ و الهی‌دان لوقا، صفحه ۹۲، می‌گوید: «این تز ماست که ایده رستگاری کلید الهیات لوقا را فراهم می‌کند.» ما موافقیم و اضافه می‌کنیم که رستگاری، پایه و اساس قوم خدا در عهد جدید است. در اینجا، در ابتدای انجیل لوقا، عیسی نوزاد به عنوان رستگار اعلام می‌شود.

در پیشگویی شمعون، می‌آموزیم که نجات شامل غیریهودیان نیز خواهد شد. قوم خدا در عهد جدید متشکل از یهودیان و غیریهودیانی خواهند بود که به عیسی ایمان آورده و از این طریق نجات را تجربه می‌کنند. متن دوم ما «صیادان بشر» است، لوقا ۵: ۴ تا ۱۰.

یک بار، در حالی که جمعیت برای شنیدن صدا، برای شنیدن کلام خدا، به او هجوم می‌آوردند، او در ۵: ۱ کنار دریاچه جنیسارت ایستاده بود و دو قایق را در کنار دریاچه دید، اما ماهیگیران از آنها بیرون آمده و

توره‌های خود را می‌شستند. او سوار یکی از قایق‌ها، که قایق شمعون بود، شد و از او خواست که کمی از ساحل دور کند. و او نشست و از قایق به مردم تعلیم داد.

و چون سخنش تمام شد، به شمعون گفت، به آب‌های عمیق برو و تورهایت را برای صید بینداز. و شمعون در پاسخ گفت: استاد، ما تمام شب زحمت کشیدیم و چیزی نگرفتیم، اما به فرمان تو، تورها را خواهم انداخت. و چون این کار را کردند، تعداد زیادی ماهی را در آب انداختند و تورهایشان نزدیک بود پاره شود.

آنها به همراهان خود در قایق دیگر اشاره کردند که بیایند و به آنها کمک کنند. و آنها آمدند و هر دو قایق را پر از ماهی کردند، به طوری که نزدیک بود غرق شوند. اما وقتی شمعون پطرس این را دید، به زانوهای «عیسی افتاد و گفت: ای خداوند، از من دور شو زیرا من مردی گناهکار هستم».

زیرا او و همه کسانی که با او بودند از صید ماهی که گرفته بودند، شگفت‌زده شدند. یعقوب و یوحنا، پسران زبدي، که با شمعون شریک بودند، نیز چنین بودند. و عیسی به شمعون گفت: «نترس، از این پس، تو مردم را صید خواهی کرد».

وقتی قایق‌هایشان را به خشکی آوردند، همه چیز را رها کردند و از پی او رفتند. عیسی در کنار دریای جلیل، کلام خدا را تعلیم می‌داد و جمعیت به او هجوم می‌آوردند. لوقا ۵:۱. کلام خدا موضوع مهمی برای لوقا است زیرا «هر کدام فقط یک بار ظاهر می‌شود. کلمات، کلام خدا، فقط یک بار در متی ۱۵:۶ و مرقس ۷:۱۳ ظاهر می‌شوند. اما تقریباً در ۲۰ مورد، کلام خدا، آن کلمات، اعلام انجیل را در لوقا-اعمال رسولان مشخص می‌کند.» جیمز ادواردز، انجیل به روایت لوقا، صفحه ۱۵۲. عیسی دو قایق خالی را دید که در لبه دریاچه بودند.

ماهیگیران شب به ماهیگیری ادامه داده و چیزی نگرفته بودند و داشتند تورهایشان را تمیز می‌کردند. عیسی سوار قایق شمعون پطرس شد و از او خواست که خشکی را نشان دهد و او این کار را کرد. و عیسی در قایق نشست و به مردم تعلیم داد.

پس از پایان تعلیماتش، عیسی به شمعون گفت که قایق را به آب‌های عمیق ببرد و تور ماهیگیری را پایین بیاورد. این تورها، تورهای سنگین سه لایه‌ای بودند که برای ماهیگیری در شب (TRAMMEL) استفاده می‌شدند. شمعون، یک ماهیگیر حرفه‌ای، با توجه به تلاش‌های بی‌ثمر شبانه آنها، به آرامی اعتراض کرد.

اما شمعون نیز یک شاگرد تازه کار بود و علیرغم غرایزش، از عیسی اطاعت کرد. نتیجه خیره‌کننده بود. وقتی این کار را کردند، تعداد زیادی ماهی گرفتند.

تورهایشان شروع به پاره شدن کرد. آنها به هم‌قطاران‌شان در قایق دیگر علامت دادند که بیایند و به آنها کمک کنند. آنها آمدند و قایق‌هایشان را آنقدر پر کردند که نزدیک بود غرق شوند (آیات ۶ و ۷). (پطرس و همراهانش از این موضوع وحشت کردند.

مهم است که لوقا از شاگردان دیگر نیز نام می‌برد، مبدا این داستان را فقط در مورد عیسی و پطرس ببینیم طبق معمول، او رهبر است، اما تنها نیست؛ او عضوی از گروهی است که خدا به طرز قدرتمندی از آنها استفاده خواهد کرد. پطرس با ایمان پاسخ داد، در مقابل عیسی زانو زد و فریاد زد: «از من دور شو. من مردی گناهکار هستم. پروردگارا، از من دور شو زیرا من مردی گناهکار هستم.» او، پروردگارا

حداقل سه عنصر از پاسخ پطرس قابل توجه است. اول، او تفاوت بزرگ بین عیسی و خودش را تشخیص می‌دهد و از عیسی می‌خواهد که به او کمک کند. دوم، او گناهکار بودن را تصدیق می‌کند، او گناهکار بودن و نالایق بودن خود را تصدیق می‌کند. این در ابتدا ما را شگفت‌زده می‌کند زیرا عمل عیسی تقدس را نشان نداد، بلکه هدایت و قدرت الهی را نشان داد.

با این وجود، پطرس در مواجهه با عمل الهی عیسی، به گناهان خود محکوم می‌شود. سوم، پطرس او را خداوند خطاب می‌کند. استفاده از این کلمه در اینجا بین کلمه معمول «آقا» در حالت خطابی و اذعان به الوهیت قرار می‌گیرد.

اگرچه برخی از مفسران در اینجا درک کاملی از مسیح‌شناسی از این اصطلاح می‌بینند، بنابراین ادواردز، انجیل به روایت لوقا، ما مخالفیم و با گرین موافقیم که در اینجا، نقل قول می‌کند، پطرس در عیسی عاملیت خدا را تشخیص می‌دهد. گرین، انجیل لوقا، صفحه ۲۳۳. سپس عیسی معجزه خود را به یک لحظه آموزشی تبدیل می‌کند، زمانی که به پطرس می‌گوید، نترس؛ از این پس، مردم را صید خواهی کرد، آیه ۱۰.

صیاد ماهی، صیاد مردان و زنان برای خدا خواهد شد. در این برهه اولیه از آموزش شاگردان توسط عیسی او نگاهی به بشارت دارد. این سخنان فقط در موعظه رسولان در اعمال رسولان محقق می‌شود، اما عیسی از قبل اهمیت بشارت را به آنها گوشزد می‌کند.

واکنش پطرس، اندریاس، یعقوب و یوحنا در آیه ۱۱ قابل توجه است؛ وقتی قایق‌های خود را به خشکی آوردند، همه چیز را رها کردند و از پی او رفتند. آنها قبلاً با عیسی مسیح تماس داشتند، لوقا ۴، ۳۸ و ۳۹، اما رها کردن معیشت و صید عظیم ماهی، رها کردن همه چیز و دنبال کردن عیسی شگفت‌انگیز است. باخ. عاقلانه پیام لوقا ۵، ۴ تا ۱۰ را خلاصه می‌کند.

باز هم، جلد اول کتاب باک در مورد لوقا، تفسیر جلد اول لوقا، ۴۶۰ تا ۴۶۲، «عیسی به پطرس وعده می‌دهد که حرفه او چه خواهد بود. وعده، به طور خاص، این است که پطرس مردم را صید خواهد کرد. نکته، ایده صید، جمع‌آوری و نجات است.

بنابراین زندگی شاگردی برای همه شاهدان این رویداد آغاز می‌شود. آنها پس از بازگشت به ساحل، کشتی‌های خود را رها می‌کنند. فاعل در اینجا جمع است، بنابراین علاوه بر پطرس، مردان دیگری نیز آنجا را ترک می‌کنند.

اولویت زندگی آنها دیگر ماهیگیری نیست، بلکه پیروی از عیسی است. لوقا ۲۷: ۱۴، و ماهیگیری برای مردم این شاگردان شاهدان بزرگ کتاب اعمال رسولان خواهند شد.

طبق لوقا ۵: ۴ تا ۱۱، گناهکاران با پاسخ دادن به عیسی، همانطور که پطرس و دیگر شاگردانش انجام دادند، قوم خدا می‌شوند. ما نیازی به تجربه معجزات یا استفاده از سخنان پطرس نداریم، اما برای پیوستن به کلیسا، باید به عیسی به عنوان خداوند و نجات‌دهنده ایمان داشته باشیم. درست است که ایمان پطرس نوپا بود و باید رشد می‌کرد، اما ایمان او واقعی بود، همانطور که از پاسخ فوری او به عیسی و مهمتر از آن، از فداکاری مداوم او به او مشهود است.

شاگردان واقعی همه چیز را رها می‌کنند و از عیسی پیروی می‌کنند. او جایگاه اول را در زندگی آنها دارد. دوم پیام اصلی، ضرورت بشارت برای کلیسا است.

خداوند انسان‌های گناهکار و خودخواه را به صیادان مردان و زنان برای پادشاهی خود تبدیل می‌کند. اعضای قوم عهد جدید خدا، گناهکاران را دوست دارند و برای فرصت‌هایی دعا می‌کنند تا مژده را با آنها به اشتراک بگذارند. قوم عهد جدید خدا، که در لوقا شماره سه است، گناهکاران بخشیده شده هستند.

لوقا ۷:۳۶ تا ۵۰. لوقا ۷:۳۶. یکی از فریسیان از عیسی خواست که با او غذا بخورد، و او به خانه فریسی رفت و بر سر سفره نشست.

و ناگاه زنی از آن شهر که گناهکار بود، چون شنید که او در خانه فریسی بر سر سفره نشسته است شیشه‌ای مرمین از عطر آورد و پشت سر او، کنار پاهایش گریان ایستاد. او شروع کرد به خیس کردن پاهای او با اشک‌هایش و خشک کردن آنها با موی سرش، و بوسیدن پاهایش و مسح کردن آنها با عطر. وقتی فریسی که او را دعوت کرده بود این را دید، با خود گفت: اگر این مرد پیامبر بود، می‌دانست این زن کیست و چگونه زنی است که او را لمس می‌کند، زیرا او گناهکار است. و عیسی در جواب او گفت: ای شمعون، می‌خواهم چیزی به تو بگویم.

و او پاسخ داد، بگو، استاد. وام‌دهنده‌ای دو بدهکار داشت. یکی ۵۰۰ دینار و دیگری ۵۰ دینار بدهکار بود.

وقتی آنها نتوانستند پرداخت کنند، بدهی هر دو را بخشید. حال، کدام یک از آنها او را بیشتر دوست خواهد داشت؟ شمعون به آن کسی که گمان می‌کنم بدهی بیشتری را برایش بخشیده بود، پاسخ داد. و عیسی به او گفت: «درست قضاوت کردی».

سپس رو به آن زن کرد و به شمعون گفت: «این زن را می‌بینی؟ من به خانه‌ات آمدم و تو برای پاهایم آب نیاوردی، اما او پاهایم را با اشک‌هایش خیس کرد و با موهایش خشک نمود. تو مرا نبوسیدی، اما از وقتی که وارد شدم، او از بوسیدن پاهایم دست نکشیده است. تو سرم را با روغن مسح نکردی، اما او پاهایم را با پماد مسح کرده است».

بنابراین، به شما می‌گویم، گناهان او که بسیار است، بخشیده شده است، زیرا او بسیار محبت ورزیده است، اما کسی که کمتر بخشیده شده است، کمتر محبت می‌کند. و به او گفت: «گناهان تو بخشیده شده است».

«آنگاه کسانی که با او بر سر سفره بودند، با خود گفتند: «این کیست که گناهان را نیز می‌بخشد؟».

«و به زن گفت: ایمان تو تو را نجات داده است، به سلامت برو».

عیسی وقت خود را با گناهکاران می‌گذراند، و نه تنها با افراد منفور، بلکه با افراد محترم و بی‌ادب، مانند این فریسی نیز وقت می‌گذراند. یک فریسی به نام شمعون، عیسی را به یک ضیافت عمومی دعوت کرد، لوقا برخلاف ضیافت‌های خصوصی، درهای ضیافت‌های عمومی باز بود و مردم می‌توانستند وارد شوند و ۷:۳۶. به بحث گوش دهند.

زنی در آن شهر که گناهکار بود، دقیقاً همین کار را می‌کرد. در وعده‌های غذایی عمومی، مردم روی تخت‌ها به پهلو لم می‌دادند و پاهایشان را به سمتی غیر از میز دراز می‌کردند. آن زن شیشه‌ای مرمین از عطر گران‌قیمت در دست داشت، پشت پاهای عیسی ایستاد، آنها را با اشک‌هایش شست و با موهایش خشک کرد، در حالی که آنها را می‌بوسید و با عطر مسح می‌کرد، آیات ۳۷ و ۳۸.

فریسی وقتی دید که عیسی اجازه داده چنین زن گناهکاری او را لمس کند، آزرده خاطر شد، زیرا فریسی چنین کاری نمی‌کند. از همان وقایع اولیه لوقا، فریسیان به عنوان «ناظران رعایت شریعت که از گناهکاران فاصله می‌گیرند» شناخته می‌شوند، گرین، انجیل لوقا، صفحه ۳۰۸. اگرچه او افکارش را برای خودش نگه داشت، اما به این نتیجه رسید که عیسی پیامبر نیست، زیرا مطمئناً یک پیامبر هویت زن را می‌داند، آیه ۳۹.

با پیشروی داستان، می بینیم که فریسی در هر دو مورد اشتباه می کرد، همانطور که مارشال توضیح می دهد: عیسی قادر است افکار فریسی را بخواند و به آنها پاسخ دهد، و همچنین، نه تنها عیسی مایل است لمس» «یک زن گناهکار را بپذیرد، بلکه حتی اظهار می کند که عمل او برای او خوشایندتر از عمل میزبانش است. مارشال، تفسیر لوقا، صفحات 309، 310. عیسی به فریسی، که نامش شمعون بود، اکنون آشکار شد، که نامش شمعون اکنون آشکار شد، گفت که چیزی برای گفتن به او دارد، و شمعون به او گفت که ادامه دهد.

سپس عیسی مَثَل کوچکی از یک طلبکار و دو بدهکار بیان کرد. اولی تقریباً دو سال، ۵۰۰ دینار، و دومی دو ماه، ۵۰ دینار، بدهکار بود. هیچ یک از بدهکاران نمی توانست بدهی خود را پردازد و طلبکار با لطف هر دو را بخشید، لوقا ۷:۴۱، ۴۲.

سپس عیسی از شمعون پرسید که کدام بدهکار، طلبکار مهربان را بیشتر دوست خواهد داشت. شمعون پاسخ داد: «فکر می کنم آن کسی را که بیشتر بخشیده است،» «آیه ۴۳. (عیسی شمعون را به خاطر پاسخش تحسین کرد و توجه خود را به زن معطوف کرد. عیسی خاطرنشان کرد که شمعون از رعایت ادب و نزاکت اجتماعی غفلت کرده است.

او پاهای عیسی را نشسته بود. او با بوسه از عیسی استقبال نکرد و سر عیسی را با روغن زیتون مسح نکرد. در مقابل، زنی پاهای عیسی را با اشک هایش شست و با موهایش آنها را خشک کرد.

او پیوسته پاهای او را می بوسید و با عطر گران قیمتی آنها را مسح می کرد، آیات ۴۴ و ۴۵. عیسی نکته ی اصلی مَثَل خود را بیان کرد. آیه ی ۴۷: «بنابراین به شما می گویم، گناهان بسیار او بخشیده شده است، زیرا او بسیار محبت ورزیده است، اما کسی که کمتر بخشیده شده، کمتر محبت کرده است.»

او مانند بدهکاری است که در این مَثَل، بدهی بیشترش بخشیده شده است. با این حال، کسی که بدهی کمتری بخشیده شده است، محبت کمتری نیز نشان می دهد. با این سخنان، عیسی از شمعون دعوت می کند. تا این مَثَل را در مورد خودش به کار ببرد.

شگفت آور اینکه، عیسی سپس به زن گفت، گناهان تو بخشیده شد، آیه ۴۸. مانند مورد قبلی، ناظران در درون خود متحیر شدند. لوقا ۵:۲۱ را مقایسه کنید، که عیسی ادعا کرد گناهان را می بخشد، همانطور که فقط خدا می تواند، آیه ۴۹.

سپس عیسی فرمود: «ایمان تو تو را نجات داده است، به سلامت برو»، آیه ۵۰. این ماجرا در اینجا به پایان می رسد و مانند تعدادی از تمثیل های عیسی، این داستان نیز پایان باز دارد. لوقا ۱۵:۲۵ تا ۳۲، تمثیل پسر گمشده، پسر ولگرد، و لوقا ۱۸:۹ تا ۱۴، تمثیل فریسی و باجگیر را مقایسه کنید.

با این حال، این امر مستلزم واکنش شمعون، دیگر شنوندگان و خوانندگان است. در نگاه اول، می توان نتیجه گرفت که آن زن به دلیل فداکاری اش به عیسی نجات یافته است، و این نتیجه گیری اشتباه خواهد بود. این تمثیل نشان داد که بخشش بدهی ها مقدم بر پاسخ های نسبی عشق و قدردانی است و خود عیسی توضیح داد که گناهان فراوان او بخشیده شده است.

به همین دلیل است که او بسیار محبت کرد، آیه ۴۷. بنابراین، عشق به خدا و مسیح، پاسخی سپاسگزارانه به دانستن این است که گناهان بخشیده شده اند. داستان شمعون فریسی و زن گناهکار، درک ما را از قوم خدا در عهد جدید افزایش می دهد.

لوتر به درستی گفت که فقط دو نوع انسان در جهان وجود دارد و هر دو گناهکار هستند، بخشیده نشده و بخشیده شده. این داستان نشان می‌دهد که فیض خدا شامل حال همه می‌شود و عیسی مسیح قلبی برای تحقیرشدگان، از جمله زن گناهکار داستان، داشت. افراد مذهبی بهتر است از نگرش خودپسندانه شمعون که از اینکه عیسی اجازه داده بود یک فاحشه او را لمس کند، شوکه شده بود، دوری کنند.

کلیسا از گناهکاران بخشیده شده تشکیل شده است که عیسی را بسیار دوست دارند زیرا او آنها را بسیار بخشیده است. متن بعدی ما درباره کسانی است که روزانه صلیب خود را بر دوش می‌کشند، لوقا ۹:۲۳ تا چهارمین متن ما. لوقا ۹:۲۳ تا ۲۷، یک متن کوچک، ۲۷.

عیسی مرگ خود را در لوقا ۹:۲۲ پیشگویی کرده بود. پسر انسان باید رنج‌های بسیاری بکشد و توسط بزرگان و کاهنان اعظم و کاتبان رد شود و کشته شود و در روز سوم برخیزد. سپس مثل ما، لوقا ۹:۲۳ تا ۲۷، می‌آید و به همه گفت: اگر کسی می‌خواهد از من پیروی کند، باید خود را انکار کند و هر روز صلیب خود را بردارد و از من پیروی کند.

زیرا هر که بخواهد جان خود را از دست بدهد، آن را از دست خواهد داد، اما هر که جان خود را به خاطر من از دست بدهد، آن را نجات خواهد داد. زیرا انسان را چه سود که تمام دنیا را به دست آورد و خود را از دست بدهد یا از دست بدهد؟ زیرا هر که از من و سخنان من عار داشته باشد، پسر انسان نیز وقتی در جلال خود و جلال پدر و فرشتگان مقدس بیاید، از او عار خواهد داشت. اما به راستی به شما می‌گویم، برخی اینجا ایستاده‌اند که تا پادشاهی خدا را نبینند، طعم مرگ را نخواهند چشید.

بعد از آن نوبت به تبدیل هیئت می‌رسد. پس از اینکه عیسی به این موضوع اعتراف کرد، پس از اینکه پطرس اعتراف کرد که عیسی مسیح، مسیح خدا است (لوقا ۹:۲۰)، و عیسی مصائب، مرگ و رستاخیز خود را پیش‌بینی کرده بود (آیات ۲۱ و ۲۲)، پیام صلیب را در زندگی روزمره شاگردانش به کار برد. عیسی از افرادی صحبت کرد که پس از او می‌آیند، که با ایده پیروی از او همپوشانی دارد.

عیسی همه کسانی را که می‌خواهند از او پیروی کنند، به چالش می‌کشد. اگر کسی می‌خواهد از من پیروی کند، آیه ۲۳، اگر کسی می‌خواهد از من پیروی کند، باید خود را انکار کند، صلیب خود را بردارد و از من پیروی کند. پیروی کند. پیروی از عیسی سه عنصر دارد.

اول، مردم باید خود را انکار کنند، مفهومی که فقط در اینجا در عهد جدید آمده است. این به معنای مقدم - داشتن خدا بر خود، وقف خود به خدا است. این مستلزم کنار گذاشتن هرگونه اعتماد، هرگونه تصور خود - ستیزی، و دست کشیدن از کسب رستگاری از طریق تلاش‌های خود است.

در عوض، این به معنای اعتماد کامل به مسیح برای نجات و اعلام وفاداری کامل به تنها او است. سخنان بعدی عیسی روشن می‌کند که انکار خود به چه معناست. دوم، پیروان احتمالی عیسی باید هر روز صلیب خود را بردارند.

مردم اسرائیل از تجربه خودشان در دیدن مصلوب شدن‌های رومی، معنای واقعی این را می‌دانستند. وقتی کسی را می‌دیدند که تیرک صلیب خود را به محل اعدام می‌برد، می‌دانستند که او دیگر بر نمی‌گردد. او قرار است بمیرد.

آیا برداشتن صلیب به معنای شهید شدن برای عیسی است؟ نه لزوماً، اما مستلزم تمایل به مردن برای او است که برای ما مرد تا ما بتوانیم حیات جاودان را به دست آوریم. برداشتن صلیب به معنای واقعی کلمه نیست، بلکه به معنای استعاری است. به معنای مردن برای خود، انکار خود است.

عیسی اصرار دارد که این کار باید روزانه انجام شود. این کاری نیست که یک شاگرد بتواند یک بار برای همیشه انجام دهد. بلکه، زندگی مسیحی را به عنوان زندگی مردن برای خود و خواسته‌های خود و زندگی کردن به طور برجسته برای خدا توصیف می‌کند.

گرین، نقل قول می‌کند که فرد باید هر روز طوری زندگی کند که گویی به مرگ از طریق مصلوب شدن، محکوم شده است. سپس از شاگردان خواسته می‌شود تا در رنج عیسی با او همذات‌پنداری کنند. گرین، انجیل لوقا، صفحه ۳۷۳.

سوم، آنها نه تنها باید با عیسی شروع کنند، بلکه باید از او پیروی کنند و با الگو قرار دادن او، به عنوان شاگردانش ادامه دهند. مارشال توضیح می‌دهد که نکته این است که شاگردی که صلیب را بر دوش می‌کشد همان کاری را انجام می‌دهد که عیسی انجام می‌دهد. او به همان شیوه‌ای که استادش را دنبال می‌کند، عمل می‌کند.

تفسیر مارشال بر لوقا ۳۷۴. سپس عیسی سخنان کنایه‌ای می‌گوید که شبیه یک معما به نظر می‌رسد. هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد.

اما هر که جان خود را به خاطر من از دست بدهد، آن را نجات خواهد داد. نجات جان خود با زندگی برای خود، از ویژگی‌های پیروان عیسی نیست. در عوض، آنها جان خود را در عشق و خدمت به او از دست می‌دهند.

از قضا، با انجام این کار، آنها واقعاً زندگی، زندگی ابدی اکنون و تا ابد را به دست می‌آورند. باخ خاطرنشان می‌کند که چگونه این ایده شبیه به توبه و ایمانی است که در اعمال بیان می‌شود. عیسی ادامه می‌دهد، زیرا چه فایده‌ای دارد کسی که تمام دنیا را به دست آورد اما خود را از دست بدهد یا از دست بدهد؟ آیه ۲۵.

این پرسش بلاغی، پیام عیسی را تقویت می‌کند. به دست آوردن همه چیز به جز مسیح به معنای هدر دادن زندگی در حال حاضر و از دست دادن ابدی در عصر آینده است. سپس عیسی شاگردی را با اصطلاحات آخرالزمانی مطرح می‌کند.

آیه ۲۶. هر که از من و سخنان من شرمسار باشد، آیا پسر انسان نیز هنگامی که در جلال خود و جلال پدر و فرشتگان مقدس آید، شرمسار خواهد بود؟ شرمساری از مسیح با انکار او، به فقدان رستگاری اشاره دارد. شاگردان فرضی که همچنان از او شرمسارند، در بازگشت باشکوه و پیروزمندان‌اش، در معرض خطر طرد شدن توسط او قرار می‌گیرند.

عیسی از این هشدار شدید به سخنان دلگرم‌کننده روی می‌آورد. به راستی، به شما می‌گویم، برخی اینجا ایستاده‌اند که تا پادشاهی خدا را نبینند، طعم مرگ را نخواهند چشید. آیه ۲۷.

این سخنان مفسران را متحیر کرده است. برخی از محققان منتقد معتقدند که عیسی بازگشت قریب‌الوقوع خود را پیش‌بینی می‌کرد، بازگشتی که به وقوع نپیوست. همچنین این نکته مرتبط است که کلمات بعدی در انجیل لوقا، تغییر شکل عیسی را در مقابل پطرس، یعقوب و یوحنا به تصویر می‌کشد.

اگرچه مفسران برای درک گفته عیسی تلاش می‌کنند، اما به نظر می‌رسد بهتر است تحقق آن را در تغییر هیئت او که به مرگ، رستاخیز و نشستن او در دست راست خدا اشاره دارد، پیش‌بینی کنیم که به نوبه خود به بازگشت دوم او در جلال اشاره دارد. باخ، سخنان عیسی را در رستاخیز و تعالی و بر تخت نشستن او به

عنوان مسیح در اعمال رسولان ۲، تحقق یافته می‌داند. در حالی که تغییر هیئت را به عنوان پیش‌نمایشی از زمانی که عیسی اقتدار خود را به طور کامل بر روی زمین در آینده آشکار خواهد کرد، همانطور که لوقا نشان می‌دهد، در نظر می‌گیرد. باخ، جلد اول تفسیر لوقا ۸۵۴ و ۲۷، ۲۱.

لوقا ۹، ۲۳ تا ۲۷ چه چیزی در مورد قوم خدا در عهد جدید به ما می‌آموزد؟ عیسی تصویر سختی از شاگردی واقعی ترسیم می‌کند. او قوم خود را به عنوان شاگردانی فداکار توصیف می‌کند که برای او زندگی می‌کنند و نه برای خودشان. حتی اگر این به معنای مرگ آنها باشد، قوم خدا برای خود می‌میرند و برای او که آنها را دوست داشت زندگی می‌کنند و با مرگ خود، آنها را از بردگی گناه رهایی می‌بخشند.

مسیح وقتی دوباره بیاید، قوم خود را در برابر پدر و فرشتگان خواهد داشت. در نتیجه، قوم عهد جدید خدا، حیات و جلال ابدی را در زمین جدید، برای همیشه و تا ابد، به دست خواهند آورد. در سخنرانی بعدی‌مان مطالعه‌ی برخی از این قسمت‌های انجیل لوقا را که قوم خدا را در عهد جدید معرفی می‌کنند، به پایان خواهیم رساند.

ما دریافت‌کنندگان فیض را در لوقا ۱۵:۱۱ تا ۳۲، تمثیل پسر گمشده، خواهیم دید. کسانی را که عیسی نجات می‌دهد در لوقا ۱۹، ۱ تا ۱۰، که داستان زکی است، خواهیم دید. و در نهایت، شاهدان عیسی را در آن فصل بسیار مهم لوقا ۲۴ آیات ۴۴ تا ۴۹ خواهیم دید.

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس الهیات لوقا در کتاب اعمال رسولان است. این جلسه هشتم است، رابرت ای. پترسون، کلیسا در لوقا، قوم خدا در عهد جدید، بخش اول.